

Research Article

Emamatpajouhi,
Thirteenth year, vol .1
Spring & Summer 2023
DOI:10.22034/
jep.2025.495712.1645
jep.emamat.ir



Authentication of the Hadith “‘Alī Sayyid al-‘Arab” and Its Indication of the Immediate Imamate of Amīr al-Mu’minīn (peace be upon him)*

Abbas Dahroviyeh¹

Abstract

The hadith “‘Alī Sayyid al-‘Arab” is one of the proofs used by the Shi‘a to establish the rightfulness of Amīr al-Mu’minīn (peace be upon him), to the extent that, by the admission of Sunni scholars, it is a naṣṣ for proving his superiority. It will also be shown that this narration is a clear naṣṣ for proving his Imamate as well. This noble hadith has been transmitted through various routes in Sunni books. It should be noted that, for a narration to be used as evidence, its authenticity must first be established and only then may its indication be examined. For this reason, the present article selects this hadith as narrated from ‘Ā’ishah in al-Mustadrak ‘alā al-Ṣaḥīḥayn of al-Ḥākim al-Naysābūrī, examines each of its narrators individually, and verifies its chain of transmission. It then examines the indication of the hadith for the immediate Imamate of Amīr al-Mu’minīn (peace be upon him) through clear naṣṣ and the proof of superiority. The article shows that not only are the narrators of this hadith free of significant criticism, but the hadith has also been transmitted through multiple routes from eight Companions. Sunni scholars, in their effort to weaken the hadith, have ignored its corroborating reports, follow-up transmissions, and numerous routes. In the final section, by presenting the statements of Sunni scholars regarding the hadith’s explicit indication of the superiority of Amīr al-Mu’minīn (peace be upon him), the reason for their denial, weakening, and declaring it false becomes clear—so much so that they even attacked and insulted any Sunni scholar who deemed it authentic.

Keywords: ‘Alī Sayyid al-‘Arab; al-Mustadrak ‘alā al-Ṣaḥīḥayn; clear naṣṣ; superiority; immediate Imamate.

*. Data of receipt: 25/1/2025, Data of acceptance: 30/6/2025.

1. Level Four Seminary Student in Imamate Studies, Imamate Cultural Foundation, Qom, Iran.
abasdehro44@gmail.com.

تقييم سند حديث «علي سيد العرب» ودلالته على إمامة وخلافة أمير المؤمنين عليه السلام بلا فصل*

عباس دهرويه^١

الملخص

يعدّ حديث «علي سيد العرب» أحد الأدلة لدى المذهب الشيعي لإثبات حقانية أمير المؤمنين عليه السلام، حتّى أنّ علماء أهل السنة يعترفون بأنّ النص في هذا الحديث يثبت أفضليته. كما سيتبيّن أنّ هذه الرواية تعدّ نصّاً جلياً في إثبات الإمامة بلا فصل. وقد ورد هذا الحديث الشريف بطرق متعددة في كتب أهل السنة. ومن الضروري الإشارة إلى أنّه للاستدلال برواية يجب أولاً إثبات صحّتها ثمّ دراسة دلالتها. ولهذا السبب، اعتمد البحث الحالي على الرواية المنقولة عن عائشة من كتاب المستدرك على الصحيحين للحاكم النيسابوري، وتمّ دراسة كلّ راوٍ وتصحيح السند. بعد ذلك، تمّ تحليل دلالة الحديث على إمامة أمير المؤمنين عليه السلام من خلال النص الجلي ودليل الأفضلية. وتبيّن الدراسة أنّه بالإضافة إلى خلو رواة الحديث من الجرح المفسد، فقد رويت هذه الرواية بطرق متعدّدة عن ثمانية من الصحابة. إلّا أنّ علماء أهل السنة، في سياق محاولاتهم لتضعيف الحديث، تغاضوا عن وجود الشواهد والتوايع وطرق الرواية المتعددة. وفي الجزء الختامي للمقال، مع بيان أقوال علماء السنة حول صراحة الحديث في أفضلية أمير المؤمنين عليه السلام، تمّ توضيح أسباب إنكارهم، وضعفهم، وتكذيبهم لهذا الحديث. حتّى أن أي عالم من أهل السنة اعترف بصحة الحديث، واجه الهجوم وسبّ وشتائم.

الكلمات المفتاحية: علي سيد العرب، المستدرك على الصحيحين، النصّ الجلي، الأفضلية، الإمامة بلا فصل.

*. تاريخ التسليم: ٢٠٢٥/١/٢٥، تاريخ القبول: ٢٠٢٥/٦/٣٠.

١. طالب في المستوى الرابع في الإمامة، مؤسسة الإمامة الثقافية، قم، إيران.

.abasdehro44@gmail.com

اعتبارسنجی حدیث علیّ سید العرب و دلالت آن بر امامت بلا فصل امیرالمؤمنین علیّه السلام*

عباس دهرویه^۱

چکیده

حدیث (علیّ سید العرب)، یکی از دلائل‌های شیعه برای اثبات حقانیت امیرالمؤمنین علیّه السلام است، تاجایی که به اعتراف عالمان اهل تسنن نص در اثبات افضلیت ایشان است، همچنین ثابت خواهد شد این روایت نص جلی در اثبات امامت ایشان نیز خواهد بود، این حدیث شریف از طریق‌های مختلف در کتاب‌های اهل تسنن وارد شده است. تذکر این نکته ضروری است که برای استدلال به یک روایت ابتدا باید صحت آن اثبات شده و بعد به دلالت آن پرداخته شود، به همین جهت در نوشتار پیش رو این حدیث را منقول از عایشه، از کتاب المستدرک علی الصحیحین حاکم نیشابوری انتخاب و به بررسی تک‌تک راویان و تصحیح سند آن پرداخته ایم، و پس از آن دلالت حدیث بر امامت بلا فصل امیرالمؤمنین علیّه السلام از طریق نص جلی و برهان افضلیت مورد بررسی قرار داده شده است. در متن این نوشتار علاوه بر آنکه راویان این حدیث جرح قابل توجهی ندارند، بلکه حدیث به طرق متعدد از هشت نفر از صحابه نیز نقل شده است، و عالمان اهل تسنن در راستای تلاش برای تضعیف حدیث از وجود شواهد، متابعات و طرق زیاد حدیث چشم‌پوشی کرده‌اند. در بخش پایانی این مقاله نیز، با بیان اقوال عالمان سنی در صراحت حدیث بر افضلیت امیرالمؤمنین علیّه السلام، علت انکار، تضعیف و دروغ خواندن حدیث توسط آنان روشن شده است. تاجایی که هر

*. تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۶، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۴/۹.

۱. طلبه سطح چهارم امامت تطبیقی، مرکز تخصصی امامت اهل بیت علیّه السلام، قم، ایران.

abasdehro44@gmail.com

عالمی از اهل تسنن حدیث را صحیح دانسته، به او حمله ور شده و حتی توهین و ناسزا گفته‌اند.

کلیدواژه‌ها: علی سید العرب، المستدرک علی الصحیحین، نص جلی، افضلیت، امامت بلا فصل.

مقدمه

رسول گرامی اسلام ﷺ در طول مدت رسالت خویش، بارها و به بهانه‌های مختلف فضائل امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) را بیان کرده و گاهی با صراحت لهجه ایشان را خلیفه و جانشین پس از خود معرفی کرده‌اند.

گاه به بهانه خوردن پرندۀ بریان، گاهی به بهانه محافظت از شهر در زمان خروج به جنگ تبوک، گاهی ایشان را انبیاء تشبیه کرده و گاهی او را نفس خویش معرفی کرده است. گرچه دشمنان خدا و رسولش ﷺ همواره در طول تاریخ سعی در کتمان این فضائل مبارک داشتند، اما برخی از این فضائل به خاطر شرایط زمانی و مکانی و یا شدت تکرار رسول خدا ﷺ آنقدر فراگیر و نقل شده، که دیگر کسی قدرت کتمان آن را نداشته است.

حدیث (علی سید العرب) از آن دسته احادیثی است که به علت تکرار فراوان آن توسط رسول خدا ﷺ دارای اسانید و طریق‌های بسیاری زیادی در کتاب‌های حدیثی اهل تسنن شده است، تاجایی که هر آن کسی که سعی در تضعیف و بطلان آن داشته است، خود رسوا شده و دشمنی‌اش با رسول خدا ﷺ و امیرالمؤمنین (علیه السلام) نمایان شده است.

حاکم نیشابوری در کتاب المستدرک علی الصحیحین ضمن نقل فضائل امیرالمؤمنین (علیه السلام) حدیث (علی سید العرب) را از عایشه نقل کرده است که در این نوشتار ابتدا به تصحیح سند حدیث بر اساس قواعد رجالی اهل تسنن پرداختیم و پس از آن از دلالت حدیث بر امام بلا فصل امیرالمؤمنین (علیه السلام) سخن گفتیم.

دلالت یک روایت بر امامت یا از طریق نص صورت می‌گیرد و یا از طریق برهان؛ حدیث پیش‌رو چنان‌که بیان خواهد شد از هر دو طریق - نص و افضلیت - بر

امامت تمام خواهد بود. علاوه بر این، در متن پیش رو خواهید دید نه تنها احادی از طرف داران سقیفه نتوانسته این حدیث را تضعیف و یا انکار کند بلکه مجبور به پذیرش این حدیث شریف و فضیلت بزرگ امیرالمؤمنین (علیه السلام) شده اند. لازم به ذکر است، با مطالعات و جست و جوی صورت گرفته برای این تحقیق و تصحیح سند به صورت بررسی تک تک راویان، پیشینه ای یافت نشد.

۱. متن حدیث علیّ سید العرب

حاکم نیشابوری در کتاب المستدرک علی الصحیحین می گوید:

حدّثنا أبو العباس محمد بن أحمد المحبوبي، ثنا محمد بن معاذ، ثنا أبو حفص عمر بن الحسن الراسبي، ثنا أبو عوانة، عن أبي بشر، عن سعيد بن جبير، عن عائشة (رضی الله عنهما)، أنّ النبي (صلی الله علیه وآله) قال: أنا سيّد ولد آدم، وعليّ سيّد العرب.

هذا حدیث صحیح الإسناد، ولم یخرجاه، وفي إسناده عمر بن الحسن وأرجو أنّه صدوق، ولولا ذلك لحکمت بصّخته علی شرط الشّیخین، وله شاهد من حدیث عروة، عن عائشة.^۱

jep.emamat.ir

۲. بررسی راویان

۲-۱. ابو العباس محمد بن احمد بن محبوب محبوبی مروزی (د. ۳۴۶)

شمس الدین ذهبی در سیر أعلام النبلاء نام حاکم نیشابوری را در بین شاگردان وی ذکر کرده است.^۲

ذهبی در همان کتاب وی را این چنین ستوده است: «الإمام، المحدث، مفید مرو، أبو العباس محمد بن أحمد بن محبوب بن فضیل المحبوبي، المروزي، راوي جامع أبي عيسى عنه».^۳ ابن نقطه در کتاب التقييد لمعرفة رواة السنن والمسانيد در ترجمه ابو العباس می نویسد: «نقلت من خط مؤتمن بن أحمد الساجي الحافظ

۱. نیشابوری، محمد بن عبد الله، المستدرک علی الصحیحین، ۱۳۳/۳.

۲. همان، ۵۳۷/۱۵.

۳. همان، ۵۳۷/۱۵.

أنا عبد الجبار بن محمد بن عبد الله الجراحي أنا أبو العباس محمد بن أحمد بن محبوب بن فضيل التاجر المروزي المحبوبي الشيخ الثقة الأمين أنا أبو عيسى»^۱. همچنین ابن نقطه مدح محمد بن منصور سمعانی، و توثیق حاکم نیشابوری را نقل می‌کند.^۲

۲-۲. محمد بن معاذ

نام محمد بن معاذ مشترک بین چندین راوی است. با توجه به طبقه وی، دو راوی متعین هستند. اول: محمد بن معاذ بن سفیان بن المستهل. دوم: محمد بن معاذ بن فهد ابو بکر شعرانی.

مقبل الوداعی در کتاب رجال الحاکم في المستدرک، محمد بن معاذ را راوی اول می‌داند.^۳ همچنین احمد جابری با استناد به اینکه حاکم نیشابوری در جای دیگر از المستدرک محمد بن معاذ را با نسبت حلبی ذکر کرده، وی همان راوی اول است.^۴ البته این راوی دارای سه متابع است و چنانچه وی راوی دوم - محمد بن معاذ بن فهد - باشد، خدشه‌ای به سند حدیث وارد نخواهد شد.

معاصرت بین محمد بن معاذ و شاگردش ابو العباس محبوبی و نقل حدیث با لفظ سماع (حدّثنا) توسط محبوبی - که وثاقت وی ثابت شد - دلالت بر اتصال سند در این طبقه می‌کند.

ذهبی در سیر أعلام النبلاء و ابو طیب منصوری در إرشاد القاصي او را صدوق معرفی کرده‌اند.^۵ ابن حبان نام وی را در الثقات خودش ذکر کرده است.^۶ ناصر الدین البانی در کتاب سلسلة الأحادیث الضعيفة این راوی را ابو بکر شعرانی

۱. بغدادی، محمد بن عبد الغنی، التقييد لمعرفة رواة السنن والمسانيد، ص ۴۸.

۲. همان، ص ۴۸-۴۹.

۳. وادعی، مقبل بن هادی، رجال الحاکم في المستدرک، ۲/۲۹۳.

۴. جابری، احمد بن ابراهيم، مرويَات فضائل علي بن أبي طالب في مستدرک الحاکم، ۴۱۱.

۵. ذهبي، محمد بن احمد، سیر أعلام النبلاء، ۵۳۶/۱۳؛ منصوری، نایف بن صلاح، إرشاد

القاصي والداني إلى تراجم شیوخ الطبراني، ص ۶۱۶.

۶. بستی، محمد بن حبان، الثقات، ۱۵۳/۹.

معرفی کرده و او را ضعیف دانسته است.^۱ اگر کلام البانی را بپذیریم و محمد بن معاذ را ابو بکر الشعرانی بدانیم، وی در این روایت سه متابع دارد، که البانی هیچ اشاره‌ای به آنها نکرده است. محمد بن ابی سمینه^۲ و محمد بن النعمان^۳ و عثمان بن ابی شیبه^۴ سه متابع محمد بن معاذ در نقل روایت از عمر بن حسن راسبی هستند.

۳-۲. ابو حفص عمر بن حسن راسبی بصری

شاگرد او محمد بن معاذ -که وثاقت وی ثابت شد- حدیث را با لفظ سماع (حدّثنا) نقل کرده است و همین مطلب در اتصال سند در این طبقه کفایت می‌کند. و چنانچه محمد بن معاذ، ابو بکر شعرانی باشد، از آنجا که تاریخ وفات وی را سال ۳۳۴ هجری^۵ ذکر کرده‌اند، معاصرت دو راوی ثابت است.

عالمان اهل تسنّن بسیار تلاش کرده‌اند تا این حدیث شریف را از طریق عمر بن حسن راسبی تضعیف کنند، اما ثابت خواهد شد این راوی در نقل روایت مورد اعتماد بوده است، و تنها دشمنی با امیرالمؤمنین علیه السلام و تعصب‌های جاهلانه سبب تضعیف این حدیث از سوی آنان شده است.

همان طور که در متن حدیث به روایت حاکم نیشابوری گذشت، او عمر بن حسن را ستوده است.^۶ ابن ابی حاتم او را در کتاب الجرح والتعديل بدون جرح و تعديل ذکر کرده است.^۷

ذهبی در میزان الاعتدال می‌نویسد: «عمر بن الحسن الراسبي عن أبي عوانة. لا يكاد يعرف، وأتى بخبر باطل، متنه: عليّ سيّد العرب».^۸ ذهبی تلخیص المستدرک

۱. البانی، محمد، سلسلة الأحاديث الضعيفة والموضوعة، ۴۰۷/۱۲.

۲. بغدادی، احمد بن علی، تاریخ بغداد، ۶۰/۲۰.

۳. جلابی، علی بن محمد، مناقب أمير المؤمنين عليّ بن أبي طالب عليه السلام، ص ۲۸۴.

۴. دمشقی، علی بن حسن، تاریخ مدینة دمشق، ۳۰۵/۴۲.

۵. ذهبی، محمد بن احمد، سیر أعلام النبلاء، ۳۳۸/۱۵.

۶. نیشابوری، محمد بن عبد الله، المستدرک علی الصحیحین، ۱۳۳/۳.

۷. رازی، عبد الرحمن بن ابی حاتم، الجرح والتعديل، ۱۰۳/۶.

۸. ذهبی، محمد بن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، ۱۸۵/۳.

می‌گوید: «أظنَّ أنه هو يعني عمر بن حسن الراسبي الذي وضع هذا».^۱ این سخن ذهبی باطل است؛ زیرا دو راوی از او روایت نقل کرده‌اند، بنابراین مجهول‌العین نیست، و از سوی حاکم نیشابوری نیز ستوده شده است، بنابراین مجهول‌الحال نیست. اما ذهبی برای اتهام وضع، دلیلی ذکر نکرده است، درحالی‌که به تصریح علماء اهل تسنن جرح مبهم بی اعتبار است.^۲ بسیار واضح است که ذهبی تنها به دلیل متن روایت، عمر بن حسن را جرح کرده است و هیچ دلیلی بر کذاب بودن او وجود ندارد. چنانچه احمد غماری می‌نویسد: «إسناد الحديث نظيف ليس فيه كذاب ولا متهم، والزاسبي ذكره ابن أبي حاتم برواية محمد بن موسى الجُرشي عنه، ولم يجرحه بشيء».^۳

در فرض پذیرش ضعف عمر بن حسن، این حدیث تضعیف نخواهد شد؛ زیرا او در نقل این حدیث متابع دارد و متابع سبب تقویت سند حدیث می‌شود. ابن عساکر در کتاب تاریخ مدینه دمشق این روایت را از طریق یحیی بن عبد حمید حمانی از ابو عوانه نقل کرده است:

أخبرنا أسماعيل بن أبي صالح، أنا محمد بن أحمد بن أبي جعفر، أنا أحمد بن محمد بن إبراهيم الصديقي، أنا الحسن بن محمد بن حكيم، نا أبو الموجه محمد بن عمرو بن الموجه، أنا يحيى يعني الحماني، أنا أبو عوانة، عن أبي بشر، عن سعيد بن جبير، عن عائشة قالت:

كنت قاعدة عند النبي ﷺ إذ طلع عليّ، فقال النبي ﷺ: هذا سيّد العرب. فقلت: يا رسول الله أأنت سيّد العرب؟ فقال: أنا سيّد ولد آدم وهذا سيّد العرب.^۴

البانی در کتاب سلسله الأحادیث الضعیفة به این متابع اشاره کرده و می‌نویسد: «لكن تابعه يحيى بن عبد الحميد الحماني: أخبرنا أبو عوانة به. أخرجه ابن عساکر

۱. ذهبی، محمد بن احمد، تلخیص المستدرک علی الصحیحین، ۱۳۳/۳.

۲. عثیمین، محمد بن صالح، مصطلح الحديث، ۲۶.

۳. البانی، محمد، سلسله الأحادیث الضعیفة والموضوعة، ۳۵/۳.

۴. دمشقی، علی بن حسن، تاریخ مدینه دمشق، ۳۰۴/۴۲-۳۰۵.

من طریقین عنه. لکن الحمانی؛ اتهمه أحمد و غیره بسرقة الحدیث! مع کونه شیعیاً بغیضاً، کما قال الإمام الذهبی^۱.

یحیی بن عبد الحمید از مؤلفان و محدّثان مشهور اهل تسنّن در شهر سامرا بوده است^۲. او توسط بزرگانی چون یحیی بن معین^۳ و ذهبی^۴ و دیگران به طور صریح و مطلق توثیق شده است، که البانی طبق عادت خود در کتمان حقایق، هیچ اشاره‌ای به توثیقات و تعدیل‌های وی نکرده است. بغوی عالم بزرگ اهل تسنّن در مورد او می‌گوید: اولین کسی که از محدّثین در سامرا از دنیا رفت و من به او اعتماد کرده و از او حدیث می‌نویسم یحیی بن عبد الحمید است^۵. ابو حاتم رازی که به سخت‌گیری در تعدیل راویان مشهور است^۶، به یحیی بن عبد الحمید اعتماد کرده و از او روایت نقل می‌کرده است^۷. ذهبی در سیر أعلام النبلاء در ترجمه یحیی حمانی گزارش می‌دهد که ابو حاتم رازی او را از محدّثین معرفی کرده^۸ و ابن عدی درباره او گفته: من احادیث منکر در کتاب‌هایش ندیده‌ام و مشکلی در او نیست^۹.

اما نسبت این جرح به احمد بن حنبل، صحیح نیست. ابن حجر عسقلانی می‌گوید: احمد بن حنبل با لفظ صریح ثقة، یحیی را توثیق کرده است^{۱۰}. در نقل‌های مختلف آمده است وقتی از احمد بن حنبل در مورد یحیی سؤال می‌کردند سکوت کرده و او را جرح نمی‌کرد، خطیب بغدادی می‌نویسد: «وسئل أحمد بن محمد بن حنبل عن یحیی الحمانی فسکت عنه فلم یقل شیئاً»^{۱۱}. ابن ابی حاتم نقل کرده است که وقتی

۱. البانی، محمد، سلسلة الأحادیث الضعیفة والموضوعة، ۵۱۳/۱۰.

۲. مزّی، یوسف بن عبد الرحمن، تهذیب الکمال فی أسماء الرجال، ۴۳۳/۳۱.

۳. همان، ۴۵۴/۱۶.

۴. ذهبی، محمد بن احمد، سیر أعلام النبلاء، ۵۲۶/۱۰-۵۲۷.

۵. مزّی، یوسف بن عبد الرحمن، تهذیب الکمال فی أسماء الرجال، ۴۳۴/۳۱.

۶. حرانی، احمد بن عبد الحلیم، مجموع الفتاوی، ۳۵۰/۲۴.

۷. رازی، عبد الرحمن بن ابی حاتم، الجرح والتعدیل، ۱۶۸/۹.

۸. ذهبی، محمد بن احمد، سیر أعلام النبلاء، ۵۳۵/۱۰.

۹. همان، ۵۳۷/۱۰.

۱۰. عسقلانی، احمد بن علی، لسان المیزان، ۴۳۴/۷.

۱۱. بغدادی، احمد بن علی، تاریخ بغداد، ۲۵۱/۱۶.

نامه یحیی بن عبد الحمید به احمد بن حنبل رسید به پیک نامه گفت: به یحیی سلام مرا برسان که ابن معین در مورد او نیکو گفتار بود.^۱
بنابراین، هیچ‌گونه خدشه‌ای به یحیی بن عبد الحمید در مقام اعتبار و متابع بودن برای عمر بن حسن وارد نیست، بلکه ثقه و مورد اعتماد است.

۴-۲. ابو عوانه وضاح بن عبد الله واسطی (د. ۱۷۶)

ابو احمد حاکم در کتاب *الأسامي والکنی* نام ابو عوانه را در بین شیوخ عمر بن حسن راسبی ذکر کرده است.^۲
شمس الدین ذهبی در *الکاشف*، ابو عوانه را ثقه و متقن معرفی کرده است.^۳ ابن حجر عسقلانی در *تقریب التهذیب* او را ثقه و ثبت معرفی کرده است.^۴ ابو الحسن عجلی نام او را در *الثقات* خود ذکر و به صراحت توثیق کرده است.^۵ ابو حاتم رازی نیز وی را ثقه دانسته است.^۶

۵-۲. ابو بشر جعفر بن ایاس (د. ۱۲۵)

جمال الدین مزّی در *تهذیب الکمال* نام ابو عوانه را در بین شاگردان ابو بشر ذکر کرده است.^۷

ابو بشر از راویان کتب شش‌گانه حدیثی اهل تسنّن است. ابن حجر عسقلانی در *تقریب التهذیب* او را توثیق کرده و همچنین به اعتبار روایاتش از سعید بن جبیر تأکید کرده و می‌نویسد: «جعفر بن ایاس أبو بشر... ثقة من أثبت الناس في سعيد بن جبیر».^۸

۱. رازی، عبد الرحمن بن ابی حاتم، *الجرح والتعديل*، ۱۶۸/۹.

۲. کرایسی، محمد بن محمد، *الأسامي والکنی*، ۲۵۶/۱.

۳. ذهبی، محمد بن احمد، *الکاشف في معرفة من له رواية في الكتب الستة*، ۳۴۹/۲.

۴. عسقلانی، احمد بن علی، *تقریب التهذیب*، ص ۵۸۰.

۵. عجلی، احمد بن عبد الله، *معرفة الثقات*، ۳۴۰/۲.

۶. رازی، عبد الرحمن بن ابی حاتم، *الجرح والتعديل*، ۴۱/۹.

۷. مزّی، یوسف بن عبد الرحمن، *تهذیب الکمال في أسماء الرجال*، ۶/۵-۷.

۸. عسقلانی، احمد بن علی، *تقریب التهذیب*، ص ۱۳۹.

بنابر گزارش جمال الدّین مژّی، یحیی بن معین، ابو زرعه، ابو حاتم، عجلّی، نسائی و ابن سعد با عبارت (ثقة) به صراحت او را توثیق کرده‌اند.^۱

۶-۲. ابو عبد الله سعید بن جبیر (۵. ۹۵)

جمال الدّین مژّی در تهذیب الکمال نام ابو بشر را در بین شاگردان سعید بن جبیر ذکر کرده است.^۲

سعید بن جبیر از راویان صحیحین است. علماء جرح و تعدیل او را به بهترین الفاظ مدح و توثیق کرده‌اند. ذهبی او را یکی از اعلام و از بزرگان علما می‌داند.^۳ ابن حجر عسقلانی او را ثقة، ثبت و فقیه معرفی کرده است.^۴

تنها اشکالی که به احادیث او وارد شده، مرسل بودن احادیثش از عایشه است.^۵ اما این اشکال به صحت سند روایات او از عایشه خدشه وارد نمی‌کند؛ زیرا احمد بن حنبل تصریح می‌کند که احادیث مرسل سعید بن جبیر از عایشه، بواسطه یک راوی ثقة نقل شده است.^۶ علاوه برآنکه سعید بن جبیر در نقل این روایت متفرد نیست و عروة بن زبیر^۷ و عبد الرحمن بن أبزی^۸ متابع روایت او از عایشه هستند.

تذکر این نکته نیز ضروری است این روایت علاوه بر عایشه، به طرق مختلف از ۷ نفر صحابه دیگر (امیرالمؤمنین علیه السلام،^۹ امام حسن علیه السلام،^{۱۰} امام حسین علیه السلام،^{۱۱} جابر بن

۱. مژّی، یوسف بن عبد الرحمن، تهذیب الکمال فی أسماء الرجال، ۷/۵.

۲. مژّی، یوسف بن عبد الرحمن، تهذیب الکمال فی أسماء الرجال، ۳۵۹/۱۰.

۳. ذهبی، محمد بن احمد، سیر أعلام النبلاء، ۳۲۱/۴-۳۲۲.

۴. عسقلانی، احمد بن علی، تقریب التهذیب، ص ۲۳۴.

۵. همان.

۶. حکری، مغلطای بن قلیچ، إكمال تهذیب الکمال، ۲۶۸/۵.

۷. نیشابوری، محمد بن عبد الله، المستدرک علی الصحیحین، ۱۳۴/۳.

۸. دمشقی، علی بن حسن، تاریخ مدینة دمشق، ۳۰۵/۴۲.

۹. جلابی، علی بن محمد، مناقب أمير المؤمنين علي بن أبي طالب علیه السلام، ص ۱۷۰-۱۷۴.

۱۰. طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الكبير، ۸۸/۳، اصفهانی، احمد بن عبد الله، حلیة الأولیاء وطبقات الأصفیاء، ۶۳/۱.

۱۱. اصفهانی، احمد بن عبد الله، حلیة الأولیاء وطبقات الأصفیاء، ۶۳/۱.

عبد الله^۱، عبد الله بن عباس^۲، انس بن مالک^۳، ابو سعید خدری^۴ روایت شده است.

۳. نص جلی بر امامت

کلمه (سید) در روایت (علی سید العرب) دلالت مطابقی بر امامت دارد، برای اثبات این ادعا از کتب لغت و معاجم استمداد می‌جوییم. ابن اثیر در النهایة می‌نویسد: سید بر رب و مالک و رئیس و... اطلاق می‌شود.^۵ ابو منصور ازهری در تهذیب اللغة می‌نویسد: سید به معنای پادشاه و رئیس است.^۶ ابو هلال عسکری در الفروق اللغویة می‌نویسد: سید کسی است که مالک تدبیر امور مردم است.^۷ همچنین در جای دیگر از کتاب آورده است: سید، کسی است که اطاعتش بر دیگران واجب است، مانند سید الأمة.^۸ زبیدی در تاج العروس^۹ و ابو بکر انباری در الزاهر فی معانی کلمات الناس^{۱۰} رئیس را از معانی سید ذکر کرده‌اند.

زمانیکه امیرالمؤمنین (علیه السلام) از لسان مبارک رسول خدا (صلی الله علیه و آله) سید عرب نامیده شدند، ایشان را پادشاه، رئیس و مدبر عرب قرار داده‌اند که طاعتشان بر دیگران واجب است.

۴. دلالت حدیث بر افضلیت

قابل توجه است که هیچ شک و تردیدی در دلالت این حدیث بر افضلیت امیرالمؤمنین (علیه السلام) وجود ندارد، چنان‌که بسیاری از عالمان اهل تستن به این مسئله اشاره کرده‌اند. فخر رازی در تفسیر خود می‌نویسد:

۱. دمشقی، محمد بن جزری، مناقب الأسد الغالب، ص ۲۳.
۲. بغدادی، عبد الرحمن بن علی، العلل المتناهية في الأحادیث الواهية، ۲/۱۲۲.
۳. طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الأوسط، ۲/۱۲۷.
۴. اصفهانی، احمد بن عبد الله، تاریخ أصبهان، ۳۶۲/۱؛ دمشقی، علی بن حسن، تاریخ مدینة دمشق، ۳۵/۴۲-۳۰۶.
۵. جزری، مبارک بن محمد، النهایة فی غریب الحدیث والأثر، ۲/۴۱۸.
۶. ازهری، محمد بن أحمد، تهذیب اللغة، ۳/۲۷.
۷. عسکری، حسن بن عبد الله، الفروق اللغویة، ص ۱۸۱.
۸. همان، ص ۱۸۶.
۹. زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، ۸/۲۲۵.
۱۰. انباری، محمد بن قاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، ۱/۱۲۳.

مطلب اعتراف کرده: اگر بخش دوم حدیث صحیح باشد، دلیل واضح و روشنی بر این است که علی بن ابی طالب علیه السلام بر تمام عرب افضلیت دارد، که ابو بکر و عمر نیز شامل آن هستند.^۱

۵. وضوح دلالت و انکار حدیث

از آنجا که حدیث شریف «علی سید العرب» از جهت سند صحیح است، و بر امامت بلا فصل امیرالمؤمنین علیه السلام دلالت صریح دارد، به شدت مورد انکار عالمان متقدم و متأخر اهل تسنن قرار گرفته است. در کتاب المنتخب من علل الخلال آمده است: زمانی که این روایت برای احمد بن حنبل خوانده شد، به شدت آن را انکار کرد.^۲ ذهبی در کتاب تلخیص المستدرک این حدیث را از وضع و جعل عمر بن حسن می داند.^۳ ابن حجر عسقلانی نیز در لسان المیزان کلام ذهبی بدون حاشیه نقل کرده است.^۴ البانی در این حدیث را بدون هیچ دلیل علمی کذب و از جعلیات شیعه دانسته است.^۵ او به عبد الله غماری عالم هم مذهب خودش، به جهت دفاع از این روایت توهین کرده است. غماری قول ذهبی در مورد حدیث را بی انصافی و سخت گیری شدید دانسته و ابن حجر عسقلانی را به خاطر تأیید کلام ذهبی مذمت می کند، او می گوید:

قلت: إسناده الحديث نظيف ليس فيه كذاب ولا متهم، والراسي ذكره ابن أبي حاتم برواية محمد بن موسى الجبرشي عنه، ولم يجرحه بشيء. وبمقتضى القاعدة المقررة يكون تعديل الحاكم مقبولاً، لكن الذهبي تعقب قول الحاكم: أرجو أنه صدوق، فقال: أظن أنه هو الذي وضعه. وهو تعتت شديد وقول بالظن، والظن أكذب الحديث. والعجب من المحافظ كيف وافق الذهبي على هذا الحكم المتعنت، وغفل عما

۱. همو، سلسلة الأحاديث الضعيفة والموضوعة، ۴۱۵/۱۲.

۲. مقدسی، عبد الله بن قدامه، المنتخب من علل الخلال، ۲۰۶/۱.

۳. ذهبی، محمد بن احمد، تلخیص المستدرک علی الصحیحین، ۱۳۳/۳.

۴. عسقلانی، احمد بن علی، لسان المیزان، ۷۷/۶.

۵. البانی، محمد، موسوعة الألباني في العقيدة، ۳۶۵/۸.

تقتضيه القاعدة في هذا المقام؟! فالحديث بهذين الطريقتين: طريق

أنس وطريق عائشة، لا يبعد أن يكون من قبيل الحسن لغيره.^۱

این عبارات موجب برافروختگی البانی شده به حدی که در مواضع مختلف به غمارى حمله و توهين مى کند، وی پس از آنکه حدیث مذکور را کذب دانسته مى نویسد: «والغماری يعرف هذا جيداً؛ لأنه ممّا لا يخفى على صغار الطلبة، ولكنه يتجاهل الحقائق ليصدق عليه ما يتّهم به غيره».^۲

در جای دیگر البانی در ادعای غلط خود که محمد بن معاذ را ابو بکر شعرانی دانسته، با جسارت خطاب به غمارى مى نویسد: «وابن معاذ هذا لا استبعد عنك أن تتوهم أنه العنبري الثقة - إن كنت رجعت إلى المستدرک ف وقعت عينك عليه! - وإنما هو الشعراني أبو بکر».^۳

در ادامه او را متابع هوای نفس خطاب کرده است و مى نویسد: «وينسب الحافظ الذهبي إلى التعت وتلحق به الحافظ العسقلاني في الغفلة!! ولا يشك أحد أنهما أعلم منه وأتقى، وأبعد عن اتباع الهوى الذي ابتلي به هذا الغماري المسكين في كثير من كتاباته وبخاصة ما كان منها في انتقاده للآخرين».^۴ در نهایت با کمال تعجب غمارى را متهم به تشیع مى کند.^۵

با چشم پوشی از تصحیح سند، به اجمال مى گوئیم: عالمان سنی احادیث ضعیفی را که تنها از سه طریق نقل شده اند پذیرفته اند. ابن حجر عسقلانی در مورد حدیث «إن الله تصدّق عليكم بثلاث أموالكم...» در بلوغ المرام مى نویسد: این حدیث از سه صحابه - معاذ بن جبل، ابو درداء، ابو هريره - نقل شده که تمام طریق های آن ضعیف هستند اما این طریق ها یکدیگر را تقویت کرده و حدیث مورد قبول است.^۶ این درحالی

۱. البانی، محمد، سلسلة الأحادیث الضعیفة والموضوعة، ۳/۳۵.

۲. همان، ص ۳۶.

۳. همان، ص ۳۸.

۴. همان، ص ۴۰.

۵. مغراوى، محمد بن عبد الرحمن، موسوعة مواقف السلف في العقيدة، ۱۰/۳۹۷.

۶. عسقلانی، احمد بن علی، بلوغ المرام من أدلة الأحکام، ص ۲۸۹.

است که روایت «علي سید العرب» که از هشت صحابی با طرق گوناگون روایت شده، به شدت مورد انکار و هجمه قرار گرفته است.

نتیجه‌گیری

حدیث شریف «علي سید العرب» در منابع اهل تسنن از هشت صحابی به طرق گوناگون روایت شده است. روایت حاکم نیشابوری در کتاب المستدرک علی الصحیحین به تفصیل بررسی و بر اساس قواعد علوم حدیث عامه تصحیح شد. تمام شبهات سندی اهل تسنن ریشه در دلالت و متن این حدیث دارد. این شبهات نیز بر اساس اصول علمی مسلم اهل تسنن پاسخ داده می‌شوند. از نظر دلالت و استدلال کلامی، این حدیث شریف نص جلی بر امامت بلا فصل امیرالمؤمنین (علیه السلام) است. علاوه بر آن از مصادیق برهان افضلیت است که با ضمیمه کبرای لزوم افضلیت امام، بر امامت امیرالمؤمنین (علیه السلام) پس از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) دلالت دارد.

فهرست منابع

- ازهری، محمد بن احمد، تهذیب اللغة، بیروت: دار إحياء التراث العربي، ۲۰۰۱.
- اصفهانی، احمد بن عبد الله، تاریخ أصفهان، بیروت: دار الكتب العلمية، ۱۴۱۰.
- ، حلیة الأولیاء وطبقات الأصفیاء، مصر: مطبعة السعادة، ۱۳۹۴.
- انباری، محمد بن قاسم، الزاهر فی معانی کلمات الناس، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۲.
- البانی، محمد، سلسلة الأحادیث الضعیفة والموضوعة، ریاض: دار المعارف، ۱۴۱۲.
- ، موسوعة الألبانی فی العقیدة، صنعاء: مرکز النعمان، ۱۴۳۱.
- بستی، محمد بن حبان، الثقات، حیدرآباد: دائرة المعارف العثمانیة، ۱۳۹۳.
- بغدادی، احمد بن علی، تاریخ بغداد، بیروت: دار الكتب العلمية، ۱۴۱۷.
- بغدادی، عبد الرحمن بن علی، العلل المتناهیة فی الأحادیث الواهیة، فیصل آباد: إدارة العلوم الأثریة، ۱۴۰۲.
- بغدادی، محمد بن عبد الغنی، التقیید لمعرفة رواة السنن والمسانید، بیروت: دار الكتب العلمية، ۱۴۰۸.
- جابری، احمد بن ابراهیم، مرویات فضائل علي بن أبي طالب فی مستدرک الحاکم، کویت: وزارة الأوقاف والشؤون الإسلامية، ۱۴۳۵.
- جزری، مبارک بن محمد، النهایة فی غریب الحدیث والأثر، بیروت: المكتبة العلمية، ۱۳۹۹.

حراني، احمد بن عبد الحليم، مجموع الفتاوى، مدينه: مجمع الملك فهد، ١٤١٦.
حكرى، مغلطى بن قليج، إكمال تهذيب الكمال في أسماء الرجال، قاهره: الفاروق
الحديثه للطباعة والنشر، ١٤٢٢.

دمشق، عز الدين بن عبد السلام، منية السؤل في تفضيل الرسول ﷺ، بيروت: دار الكتاب
الجدید، ١٤٠١.

دمشقي، علي بن حسن، تاريخ مدينة دمشق، بيروت: دار الفكر، ١٤١٥.
دمشقي، محمد بن جزري، مناقب الأسد الغالب مُمَزَّق الكتاب ومُظْهِر العجائب لِيث بن
غالب أمير المؤمنين أبي الحسن علي بن أبي طالب عليه السلام، قاهره: مكتبة القرآن، ١٩٩٤.
ذهبي، محمد بن احمد، الكاشف في معرفة من له رواية في الكتب الستة، جده: دار القبلة
للثقافة الاسلامية، ١٤١٣.

---، تلخيص المستدرک، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۱.

---، سير أعلام النبلاء، بيروت: مؤسسة الرسالة، ١٤٠٥.

---، ميزان الاعتدال في نقد الرجال، لبنان: دارالمعرفة، ١٣٢٨.

رازی، عبد الرحمن بن ابی حاتم، الجرح والتعديل، حیدرآباد: دائرة المعارف العثمانية، ۱۲۷۱.

رازی، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰.

زبيدي، محمد مرتضى، تاج العروس من جواهر القاموس، الكويت: وزارة الإرشاد والأنباء، ١٩٢٢.

شاطبي، ابراهيم بن موسى، الموافقات، قاهره: دار ابن عفان، ١٤١٧.

طبراني، سليمان بن احمد، المعجم الأوسط، قاهره: دار الحرمين، ١٤١٥.

---، المعجم الكبير، قاهره: مكتبة ابن تيمية، بى.تا.

عثيمين، محمد بن صالح، مصطلح الحديث، قاهره: مكتبة العلم، ١٤١٥.

عجلى، احمد بن عبد الله، معرفة الثقات، مدينه: مكتبة الدار، ١٤٠٥.

عسقلاني، احمد بن على، بلوغ المرام من أدلة الأحكام، رياض: دار الفلق، ١٤٢٤.

---، تقریب التهذیب، سوریه: دار الرشید، ۱۴۰۶.

---، لسان الميزان، بیروت: دار البشائر الإسلامية، بی تا.

عسكري، حسن بن عبد الله، الفروق اللغوية، قاهره: دار العلم والثقافة للنشر والتوزيع، بى.تا.

کرایسی، محمد بن محمد، الأسامي والکنی، قاہرہ: دار الفاروق، ۱۴۳۶.

كلبي، محمد بن احمد، التسهيل لعلوم التنزيل، بيروت: شركة دار الأرقم، ١٤١٦.

مَرْزِي، يوسف بن عبد الرحمن، تهذيب الكمال في أسماء الرجال، بيروت: مؤسسة الرسالة، ١٤٠٠.

مغراوى، محمد بن عبد الرحمن، موسوعة مواقف السلف في العقيدة، قاهره: المكتبة الإسلامية، بى تا.

مقدسى، عبد الله بن قدامه، المنتخب من علل الخلال، رياض: دار الراية، بى تا.
منصورى، نايف بن صلاح، إرشاد القاصي والداني إلى تراجم شيوخ الطبراني، امارات: مكتبة ابن تيمية، بى تا.

نیشابورى، محمد بن عبد الله، المستدرک على الصحيحين، بيروت: دار الكتب العلمية، ١٤١١.
وادعى، مقبل بن هادى، رجال الحاكم في المستدرک، صنعاء: مكتبة صنعاء الأثرية، ١٤٢٥.